

مقام وموقعیت زنان در عصر فترت

منصوره پروینی

<http://wahr.ir/node/497>

از افول دوره ایلخانی تا تشکیل دولت تیموری دورانی بر ایران گذشت که به دوره فترت شهرت دارد. در این دوران حکومت های مستقل و گاه نیمه مستقلی تحت تابعیت بازماندگان مغول چون خاندان آل جلایر در عراق و سلغریان یا آل مظفر در فارس، کرمان و کردستان، خاندان اینجو در شیراز، قراختایان در کرمان و آل کرت در هرات سر برآوردند. زنان در این دوره نسبت به گذشته آزادی عمل بیشتری داشتند و همچون مردان در زمینه جنگ آوری، سوارکاری، شعر و تغزل و هنرهای زمانه آموزش می دیدند. بسیاری از آنان پس از پذیرش اسلام، مقام و موقعیت خود را حفظ کرده و گاه به قدرت نائل می شدند. مانند ترکان خاتون در کرمان و شاهزاده ساتی بیک که به ایلخانی رسیدند. در میان خاندان های منسوب به مغولان رسم بر پوشیدگی روی و موی نبود و طبق قانون یاسا امرا می توانستند با هر زنی اعم از مجرد یا شوهردار ازدواج کنند. لذا شوهران را مجبور می کردند که همسران خود را طلاق گفته و سپس او را به عقد خود در آورند. بعضی از خاندان ها از ترس تعرض امرا و فرماندهان، دختران خود را پوشیده و یا در کسوت مردان و نقابداران بیرون می بردند تا شناسائی نشوند که این امر در میان توده مذهبی و اسلامی بیشتر رواج داشت. حال شمه ای از احوال مهم ترین زنان این دوران، با تفکیک خاندان های آنان و با توجه به اهمیت منطقه حکومتی بیان می گردد.

دلشاد خاتون - وی منسوب به خاندان آل جلایر یا ایلکخانیان در عراق عرب است (۷۴۰-۸۲۶ ه.ق) دختر دمشق خواجه و نوه امیر چوپان بود. ابوسعید با کمک و همت امیر چوپان به حکومت رسید و در اوج جوانی و قدرت، هوسرانی و ناسپاسی از سر گرفت. بطوری که داماد امیر چوپان را مجبور کرد تا همسر زیبای خود بغداد خاتون را طلاق گفته و او را به همسری گرفت. دگر بار به بغداد خاتون بد گمان شد و با برادرزاده او دلشاد خاتون ازدواج کرد. در همان زمان ازبک ها به متصرفات ایلخان حمله ور شدند و ابوسعید را به قتل رساندند. دلشاد خاتون از بیم جان خود متواری شد و وقتی خبر فتح تبریز توسط شیخ حسن بزرگ به او رسید به آنجا رفت. شیخ حسن بیوه ابوسعید را گرامی داشته و او را به عقد خود درآورد. آنها پس از آرامش منطقه، حکومت عراق به مرکزیت بغداد را بدست گرفتند و عملاً تمام امور مملکتی به دست دلشاد خاتون افتاد. او طی ۱۷ سال حکومت شیخ حسن بزرگ، بارها بغداد را از تهاجم اجانب حفظ کرد. دربار او محفل شعرا و اندیشمندان بود. مهم ترین شعرای دربار او سلمان ساوجی و خواجه کرمانی بودند که دلشاد خاتون به لحاظ اعتماد زیاد به مداح خود سلمان ساوجی تربیت فرزند ارشد خود سلطان اویس را به او سپرد. وی به لحاظ شهرت به زیبایی روی و خوی و عدل و داد به بلقیس زمان ملقب بود.

تاشی خاتون - وی منسوب به خاندان اینجو، همسر امیر جلال الدین مسعود شاه اینجو و مادر شیخ ابوالحسن اینجو بود که معاصراً آل مظفر در یزد و کرمان و چوپانیان در تبریز بودند (۷۵۷-۷۴۲ ه.ق) خاندان اینجو در کشاکش قدرت همواره با خاندان آل مظفر در جنگ بودند. لذا در زمان امیر جلال الدین مسعود و فرزندش امور شیراز بیشتر توسط این بانوی مؤمنه و خیر اداره می شد.

او مقبره امامزاده احمد بن موسی (ع) معروف به شاهچراغ را مرمت و قبّه ای عالی بر آن نصب نمود. همچنین مدرسه ای در جنب آن مقبره بنا کرد. خطی نیکو داشت و به نوشتن قرآن و تذهیب آن مبادرت نموده و آن آثار نفیس را به بقاع متبرکه هدیه می کرد. دربار او محل رفت و آمد شاعران و غزل سرایان بود. حافظ شاعر معروف، او و خاندانش را مدح کرده است. تاشی خاتون در نیمه قرن هشتم درگذشت و در کنار حرم حضرت شاهچراغ به خاک سپرده شد که بعدها مرقد او ویران گردید و اثری از آن به جای نمانده است.

ترکان خاتون - او همسر قطب الدین محمود شاه از اتابکان یزد و مادر اتابک محمد بن سعد بن ابوبکر از اتابکان فارس بود. اجداد وی از خاندان قراختائیان مغول در کرمان (۷۰۶-۶۲۱) بودند.

محمد بن سعد بن ابوبکر در خردسالی از طرف هلاکوخان مقام اتابکی یافت و ترکان خاتون به نیابت او زمام امور را در دست گرفت و با کفایت تمام به حل و فصل امور پرداخت. زنی شجاع، مدیر و مدبر بود. محمد بن سعد در خردسالی درگذشت و حکومت به محمد بن سلغورین سعد رسید و ترکان خاتون خود را به عقد وی در آورد. اما محمد بن سلغور راه سرکشی و لهو و لعب پیمود و ترکان خاتون با موافقت سران قوم او را دستگیر کرد و به خدمت هلاکو فرستاد، سپس با وساطت ترکان خاتون، سلجوق شاه بن سلغور با احترام به شیراز آورده شد و به کرسی اتابکی رسید و ترکان خاتون را به همسری برگزید.

وقتی آباقاخان ایلخان مغول به حکومت رسید، دختر ترکان خاتون را به عقد خود درآورد و در مدت ۱۵ سال همسری او (پادشاه خاتون) ترکان خاتون حاکم بلامنازع کرمان بود که سرانجام توسط یکی از فرزندانش به قتل رسید. در زمان او کرمان در اوج آبادانی و امنیت بود. بنای بقعه سید ام عبدالله و قبّه سبز کرمان منسوب به اوست.

پادشاه خاتون - وی حاکم کرمان، دختر سلطان قطب الدین قراختائی و ترکان خاتون (قتلغ ترکان) و همسر آباقا ایلخان مغول بود. او با دیگر خوانین مغول از جمله احمد تکودار، ارغون و گیخاتو هم عصر بوده است. پس از فوت مادر حکومت کرمان به سیمورغتمش جلال الدین برادرش رسید و در زمان تکودار حکم حکومتی مشترکاً برای جلال الدین و پادشاه خاتون صادر شد. اما پادشاه خاتون از این موضوع در خشم بود، لذا مرتب از خودسری های برادر شکایت داشت.

ارغون ایلخان وقت، برای آنکه پادشاه خاتون را از محدوده حکومتی دور کند، او را بالاجبار به عقد برادر ناتنی خود گیخاتو درآورد. پس از مرگ ارغون، گیخاتو مقام ایلخانی یافت و پادشاه خاتون دوباره به حکومت کرمان رسید و بی درنگ برادرش را دستگیر و زندانی کرد. اما او توسط همسرش کردوجین خاتون و دخترش از زندان گریخت و درصدد قتل خواهر خود برآمد. اما پادشاه خاتون از این مسئله با خبر شده او را به قتل رساند. بعدها که کردوجین به حکومت کرمان رسید، فرمان قتل پادشاه خاتون را از بایدها، ایلخان وقت گرفت. جسد او در کنار مزار مادرش ترکان خاتون و برادرش جلال الدین در قبّه سبز کرمان دفن شد. به گزارش اکثر مورخین، او زنی علم دوست، خوش اخلاق و با فضیلت بود و عدالت را رعایت می کرد. به علما و فضلا احترام می کرد او صاحب سبک بوده و دیوانی به نام "لاله خاتون" از وی به یادگار مانده و در تذهیب دست داشته است. سکه ای از او به جا نمانده است. اما در موزه برلین سکه نقره ای از گیخاتو موجود است که پس از القاب ایلخان جمله "خداوند عالم پادشاه خاتون" بر روی آن به چشم می خورد.

آبش خاتون - از زنان فرمانروای قرن هشتم، دختر سعد بن ابی بکر و ترکان خاتون و نوه دختری پراق حاجب مؤسس سلسله قراختائیان کرمان و عروس هلاکوخان مغول بود. بر اساس گزارش میرخواند و علامه () به جز آبش 317-597 قزوینی، پس از مرگ سلجوق شاه چون از خاندان سلغری (آل مظفر) خاتون و خواهرش سلغم کسی نمانده بود، لذا با موافقت امرا آبش خاتون به اتابکی فارس برگزیده شد البته همسری او با منگو تیمور پسر هلاکوخان

در این امر بی تأثیر نبوده است . او مدت ۲۰ سال بر فارس حکومت کرد و به نام او سکه طلا ضرب گردید و خطبه خوانده شد . در زمان فرمانروایی ارغون حکومت فارس به فردی به نام سیدعمادالدین سپرده شد . رنجش آیش خاتون از این موضوع و بدگوئی های دیگران باعث شد که خاتون او را به قتل برساند . وقتی گزارش به ارغون رسید او را به تبریز خواست و پس از محاکمه به پرداخت دیه ای سنگین برای قتل هایی که مرتکب شده بود ، محکوم شد . تا پایان عمر از رفتن به شیراز محروم ماند و در همانجا درگذشت و به آداب مغولان دفن شد . بعدها جسد او توسط دخترش کردوجین خاتون به شیراز منتقل گردید و در کاروانسرای آیش و یا بقولی در مسجد مادرشاهی به خاک سپرده شد . او توسط شاعران بسیاری از جمله سعدی و عبدالله بن فضل اله مدح شده است . از او هشت سکه به جا مانده که در موزه های بریتانیا و ترکیه نگهداری می شود که بر یک روی آن اسامی ایلخانان مغول چون آباخان ، تکودار – ارغون حک شده است و در سمت دیگرش نام آیش خاتون آمده است . او در سال ۶۶۳ق. به حکومت رسید و در سال ۶۸۵ق. درگذشت

کردوجین خاتون – از جمله بانوانی است که در خاندان اینجو آل مظفر قدرتی به هم رساند و لیاقت و شایستگی خود را نشان داد . او دختر آیش خاتون حاکم قدرتمند فارس و منگو تیمور و زوجه سیمورغتمش جلال الدین قراختائی بود و بواسطه صداقت و کفایت خود در زمان حکومت ابوسعید به اتابکی فارس برگزیده شد و چون زنی عاقل و با تدبیر و خیر بود ، به اشاعه عدل مدرسه ساختن ابنیه پرداخت . احداث ۱۲ مدرسه ، کاروانسرا ، و بیمارستان و سد از جمله کارهای اوست که در زمان حکومت بر اساس حکم ترخانی ابوسعید از مالیات معاف بود . او حکم حکومت کرمان را از دامادش بایدوخان مغول گرفت و به جای پادشاه خاتون به کرمان رفت و بر مسند حکومت تکیه زد و به انتقام قتل شوهرش سیمورغتمش ، پادشاه خاتون را به قتل رساند . کردوجین همانند مادر به اهل علم و ادب احترام می گذاشت و علاوه بر مرمت و آبادانی فردی خیر بود . چنانچه برای طلاب ، حافظان قرآن ، صوفیان و مستمندان مقرری تعیین نمود . او در سلطانیه مقر خداینده ایلخان مغول درگذشت . اما پیکر او را به شیراز آورده و در جوار مزار مادرش به خاک سپردند .

از زمان آل کرت "طبقه ای ازملوک شرق ایران"(۶۴۳-۵۷۹۱ق.)

زنی صاحب نام ثبت نشده است و این به آن دلیل بوده است که زنان این خاندان و جامعه هرات در آن موقع به شدت از نظر اجتماعی در مضیقه بوده و اسیر تعصبات قومی و مذهبی و تنگ نظری بودند بطوری که در زمان حکومت ملک فخرالدین ، زنان هفت سال از بیرون آمدن از منزل محروم بودند و به فرمان شاه ، کفشان حق دوختن کفش برای زنان را نداشتند . در حکومت های فوق الذکر جز طبقه حاکمه ، مردم از حقوق اجتماعی و آموختن محروم بودند و چه بسیار زنانی که در حرمسراها محبوس بودند .

منابع و مأخذ :

- ۱- آیتی ، عبدالمجید ، تحریر تاریخ و صاف ، بنیاد فرهنگ ایران ، تهران ۱۳۴۶
- ۲- مستوفی ، حمداله ، تاریخ گزیده ، امیرکبیر
- ۳- میرخواند ، میرمحمدبن سید برهان الدین ، روضه الصفا ج ۴ ، چاپ خیام ، تهران ۱۳۳۹
- ۴- و صاف الحضرة ، عبدالله بن فضل اله ، تاریخ و صاف ، ابن سینا ، ۱۳۳۸
- ۵- بیانی ، شیرین ، زن در عصر مغول ، دانشگاه تهران
- ۶- پیرنیا ، منصوره ، سالار زنان ایران
- ۷- حسین صفائی ، حاج میرزا حسن ، فارسنامه ناصر ج ۲

- ۸- ستوده ، حسینقلی تاریخ آل مظفر ، ج ۱
- ۹- مهراز ، رحمت الله ، بزرگان شیراز، انجمن آثار ملی تهران تهران 8431
- ۱۰- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری امیرکبیر ۱۳۶۴ ش.
- ۱۱- لغت نامه دهخدا ، دانشگاه تهران ۱۳۷۳ ش.
- ۱۲- راوندي ، مرتضي ، تاریخ اجتماعی ایران ، امیرکبیر ، تهران ۱۳۴۷ ش.
- ۱۳- دائرةالمعارف زن ایرانی ، ج ۱ و ۲ ، تهران بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی ۱۳۸۲ ش.
- ۱۴- آزاد ، حسن ، پشت پرده های حرمسرا ، ارومیه ۱۳۷۷ ش.
- ۱۵- قدیمی، فخری، کارنامه زنان مشهور ایران، وزارت آموزش و پرورش ، تهران ۱۳۵۲ ش.